

# دهکده صخره‌ای ابادر

دکتر علی اصغر میرفتاح  
جواد شکاری نیری

کوهستانی به محل باغ دره<sup>۲</sup> می‌رسیم، دره‌ای که از آن آب

✽ نیر NIR

۱- مکان ازدها یا لانه ازدها، در پشت آبگرم سقزچی یک توده صخره‌ای وجود دارد که فضای داخلی آن خالی است و بشکل مدور است و در نزد اهالی چنین اسمی دارد و راجع به آن چنین نقل می‌کنند «قدیم الايام در این جا یک ازدهایی وجود داشته است که هر کسی را از فاصله دور می‌دید، بادم خود او را فروکشیده و می‌بلعیده ازدها این محل را کنده و برای خود لانه درست کرده بود و داخل آن زندگی می‌کرد» بنظر می‌رسد که این گودال در اثر فرسایش بوسیله آب معدنی که از داخل آن می‌جوشید پدید آمده و یا بواسطه رسوبات آن پدید آمده است در حال حاضر بقطر ۱۶ متر و بگودی ۳/۲۰ متر جلب نظر می‌کند داخل آن از خاک پر شده است و یک مطالعه علمی زمین شناسی در اینجا علت پدیده را معلوم خواهد ساخت.

۲- باغ دره نام دره‌ای است که در پائین دهکده صخره‌ای

قرار دارد و این دهکده مشرف به آن دره است.

## الف - موقعیت جغرافیایی :

در نواحی شمال غرب سرزمین پهناور ایران شکل غیرعادی متفاوت بخشی از طبیعت با طرحی عجیب و شگفت‌انگیز، چشم انسان را بسوی خود می‌کشاند. دهکده صخره‌ای «ابادر» با شکل بی‌نظیر و جلوه‌های متنوع توجه هر انسان کنجکاو را به طرف خود معطوف می‌کند. ابادر یک دهکده دور افتاده و پنهان از دیده‌ها می‌باشد. (تصویر شماره ۱).

این دهکده در فاصله حدود ۹/۵ کیلومتری جنوب «نیر»<sup>✽</sup> اردبیل قرار دارد برای رسیدن به این منطقه بایستی از رودخانه «بالخلو» عبور کرد و به طرف دهکده «سقزچی» مسیر را طی کرد، پس از عبور از کنار آبگرم «سقزچی»، و مکانی موسوم به «لانه ازدها»<sup>۱</sup> در نزدیکی دهکده «سقزچی» تصویر شماره (۲) جاده دو شاخه می‌شود، انشعابی که به سمت جنوب شرقی به طرف دهکده «ابادر» ادامه پیدا می‌کند، پس از گذشتن از دهکده فعلی «ابادر» مجدداً حدود ۱/۵ کیلومتر دیگر راه طی کرده و در دل منطقه



۱- دهکده ابازر همراه با جاده منتهی بر دهکده صخره‌ای



۲- گودال صخره‌ای موسوم به ازدهایری (سر راه دهکده) ابازر و سقرچی

جاری می‌شود و آب مورد نیاز ساکنان دهکده کنده شده در صخره دامنه کوهی موسوم به «خرابه محله»<sup>۳</sup> را تامین می‌کرده است.

ابتدای رسیدن به محل مورد نظر، قبرستان و بنای آرامگاهی با مصالح سنگی و خشتی در برابر ما ظاهر می‌شود، گرچه دهکده کنده شده در دل صخره در پشت قبرستان و تپه نه چندان مرتفعی قرار دارد، اما حتی تا چند قدمی نیز قابل رویت نیست، لذا یک مکان کاملاً مخفی و مطمئنی را تشکیل می‌دهد، که داری موقعیت تدافعی خاصی می‌باشد. از هیچ مکان دیگری راهی برای دستیابی به این محل وجود ندارد و تنها راه منتهی به آنجا هم یک فرد نا آشنا را گمراه می‌کند.

قبرستان یادشده دو قسمت می‌باشد: بخشی بر روی تپه‌ای واقع است که بنای خشتی با پلان مستطیل شکل بر روی آن قرار دارد، این بنا درست در قله تپه واقع گردیده و قبور زیادی در پیرامون آن قرار دارد، که با سنگ قبرهای حجاری شده جلب توجه می‌نماید، بنای مذکور معروف به اجاق اباذر است.

قبرستان دیگر در قسمت شرقی تپه واقع است که یک قبرستان عمومی به نظر می‌رسد و شامل قبور افراد عادی می‌باشد. در مواردی قبوری با سنگهای حجاری شده هم به چشم می‌خورد و مجموعاً یک قبرستان وسیع را تشکیل می‌دهند (تصویر شماره ۳، ۴ و ۵)

## ب- محیط ترکیبی دهکده صخره‌ای اباذر:

بطور کلی این دهکده از ترکیب ۱۳ واحد یا فضای معماری تشکیل شده است. هر واحد بطور مستقل در دامنه یا شیب صخره و روبه جنوب کنده شده‌اند. بعضی از واحدها بصورت منفرد و تعدادی دیگر با توجه به عملکردشان

متشکل از چندین قسمت هستند. علاوه بر این در جلوی هر فضای صخره‌ای بقایای دیواره‌های سنگی بچشم می‌خورد که قطر هر کدام به یک متر می‌رسد که در حال حاضر تخریب شده‌اند.

باید متذکر شد که این دهکده در حال حاضر غیرمسکونی و متروک می‌باشد. وضعیت فعلی آن دال بر این است که مدت خیلی زیادی از متروک شدن آن نمی‌گذرد. در گاههای تمام منازل کنده شده در دل صخره، روبه جنوب است، و چندین دلیل بر این امر وجود دارد:

اولاً این مجموعه در یک سرایشی کنده شده است که در دره‌ای موسوم به باغ دره منتهی می‌شود. با توجه به اینکه منطقه آذربایجان، بخصوص این نواحی کاملاً برفگیر و میزان بارندگی زیاد است، لذا دره‌های آنها از سمتی انتخاب شده‌اند که هیچگونه آب سرازیر شده ناشی از بارندگی، داخل فضاهای ایجاد شده نمی‌گردد.

ثانیاً طبیعت منطقه برای اشخاص مهاجم مشکلاتی فراهم می‌نماید و عملاً مانع نفوذ به درون واحدها می‌شود.

چون استقرار نفرات فقط در دره جنوبی امکان‌پذیر است که حضور مدافعان محلی، احتمال ورود افراد بیگانه را منتفی ساخته است، مسائل فوق و دیگر اصولی که در ایجاد این آثار صخره‌ای رعایت شده است از تبحر پدید آورندگان این اثر بی‌نظیر حکایت می‌کند، تنوعی محسوس در یکایک فضاهای معماری صخره‌ای که دارای پلانی مستطیل شکل بوده و بعضی از آنها ۱۵ متر طول و حدود ۳ تا ۳/۵ متر عرض دارند دیده می‌شود بعضی از آنها دارای دریچه

---

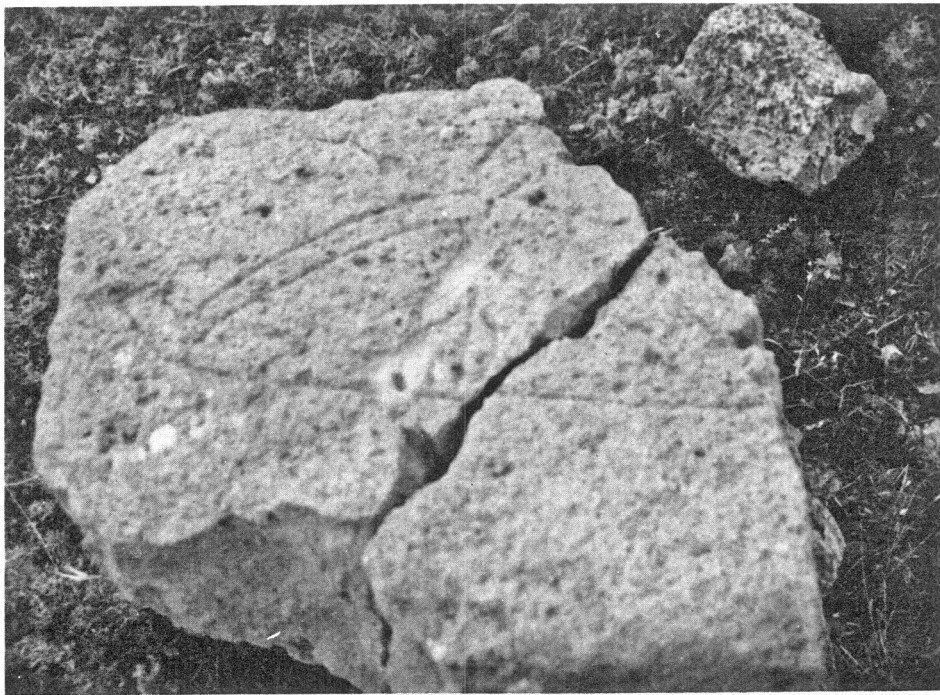
۳- خرابه محله اسمی است که بعدها و پس از متروک شدن محل به آن منطقه داده شده است. «کهل لر» به معنی غارها اسم دیگری است که اهالی منطقه آنجا را بدین اسم می‌شناسند.



۳- قبرستان اسلامی «اباذر» تصویر از محل دهکده صخره‌ای



۴- سنگ قبری از قبرستان اباذر (احتمالاً سلجوقی)



۵- قبرستان «اباذر» سنگ قبری با نقش تیروکمان

جنوبی اثر معماری موسوم به اجاق ابوذر قرار دارد؛ اما دیوارهای اطراف آن تخریب گشته و آوار، کنده‌های صخره‌ای را پوشانده است و تنها نورگیر آن معلوم است، به همین خاطر ورود به داخل آن میسر نمی‌باشد.

چنانکه ذکر شد، اکثر معماریهای صخره‌ای این

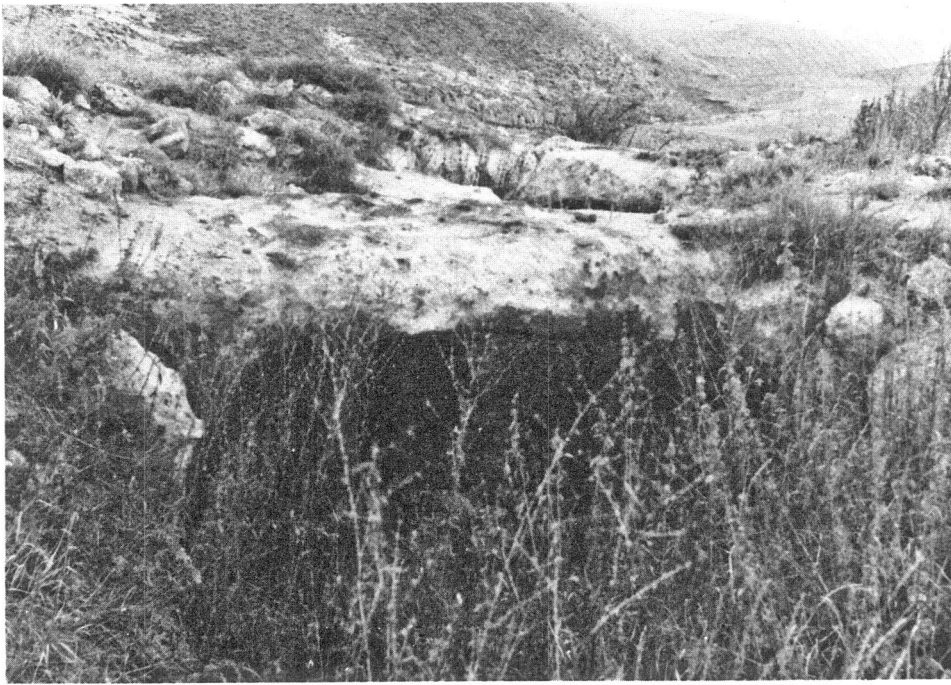
۴- در آذربایجان بعضی از مکانها زیارتی را اجاق می‌نامند و لفظ اجاق معنای متعددی دلالت دارد، از جمله اجاق به معنی آتش‌دان و محل برپا کردن آتش گفته می‌شود و نیز اجاق به معنی نسل نیز اطلاق می‌شود، و ضرب‌المثل "اجاق کور" دلالت بر خاموشی اجاق زندگی پس از مرگ فرد بی‌فرزند است و بی‌شک این یک لفظ ریشه‌داری است که بی‌ارتباط با جنبه تقدس آتش در دوران قدیمتر نیست، و معمولاً مزاراتی که در روی بلندیها قرار دارند، به این اسم مشهورند، مخصوصاً در منطقه اردبیل.

نورگیر بوده و بعضاً از دو طرف دریچه ورودی دارند و بدین ترتیب نور کافی وارد آنها شده و تبادل هوا براحتی صورت می‌گیرد.

غالب آثار معماری صخره‌ای این دهکده، دارای دریچه نورگیر از سقف هستند، و این نورگیرها در فضاهائی که دارای دریچه ورودی کوچکی هستند، روشنائی لازم را تامین می‌کنند، زیرا اگر این نورگیرها کنده نمی‌شدند، بدلیل وسعت فضای زیستی ایجاد شده؛ قسمت اعظم آن در تاریکی فرومی‌رفت.

بیشتر آثاری که دارای پلان مستطیل هستند، به استثنای دو مورد استفاده آغل گوسفند و یا طویله را تایید می‌نمایند، شکل ظاهری آنها همانند طویله‌های روستاییانی است که امروزه در نزدیکی و اطراف آنجا زندگی می‌کنند.

اولین کنده صخره‌ای در نزدیکی دره و در امتداد



۶- کنده صخره‌ای شماره ۲

داشته است. بعضی از این سوراخهای حلقه‌ای شکل، تخریب شده است. احتمالاً این امر بیشتر به خاطر فشارهای وارده از سوی حیوان بسته شده به آنها صورت گرفته است. ارتفاع آخور در وضع فعلی ۷۰ و عرض آن ۸۵ سانتی‌متر است. معمولاً اهالی، این گونه معماری صخره‌ای را آخوراسب می‌نامند و معقول به نظر می‌رسد که چنین باشد زیرا اهالی در این نواحی بیشتر به معامله گوسفند و اسب و نگهداری از

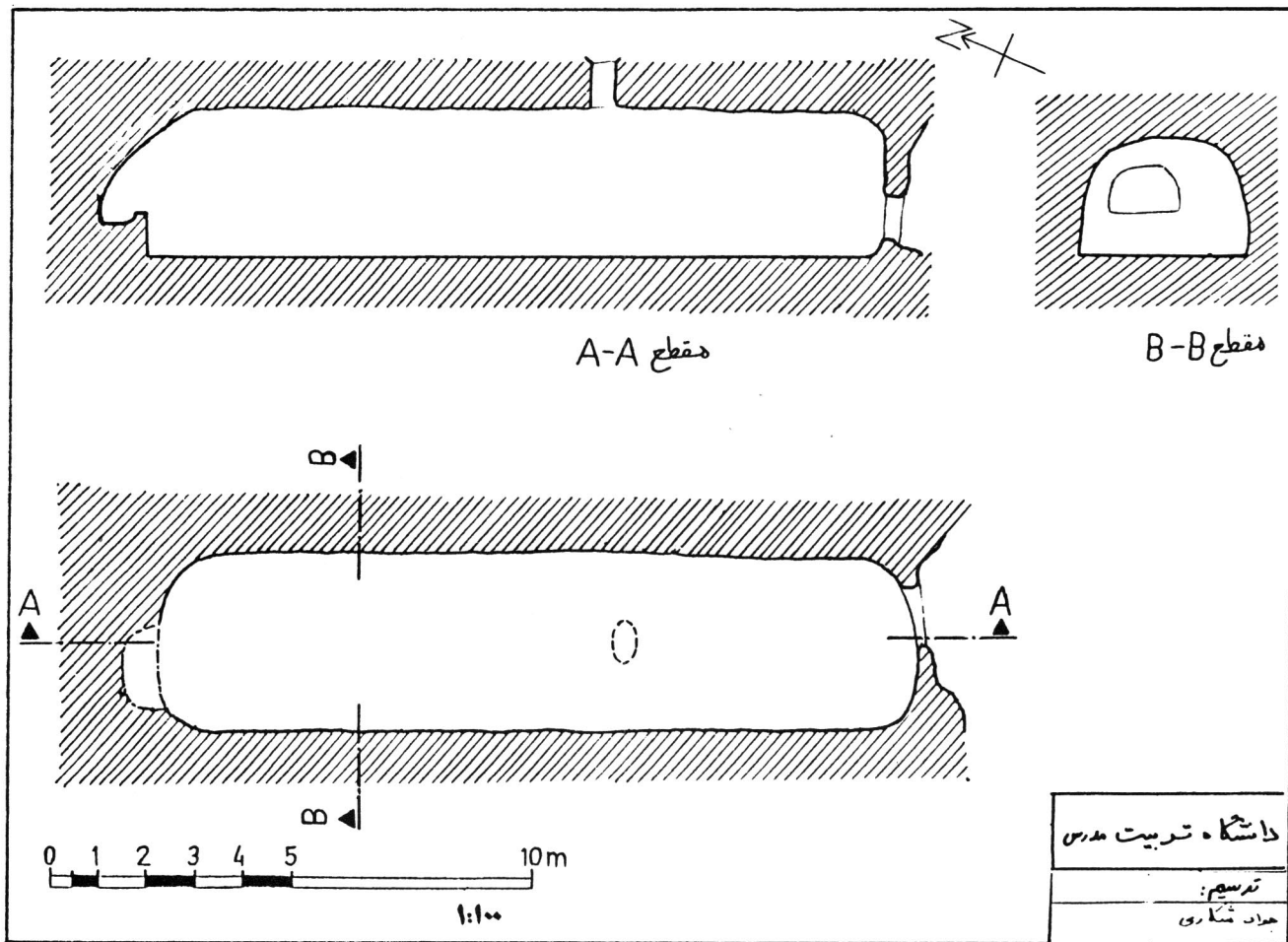
✦ شماره گذاری کنده‌ها از شرق به غرب بر اساس گسترش مکانی نامگذاری گردیده است.

۵- بیشتر آثار معماری کنده شده در دل صخره‌های ابوذر در اطراف خود با دیوارهایی محصورند، و این کار امنیت بیشتر اهالی را تامین می‌کرده است، کوه "خرابه محله" یک کوهی است آهکی رسوبی و به رنگ سفید.

دهکده اتاقها و حصارهایی در بیرون کنده‌های صخره‌ای دارند، که با مصالحی از قبیل سنگ و گل ساخته شده بودند. اثر صخره‌ای شماره ۲ در گرده کوه کنده شده است\* و سقف آن ضخامت کمی دارد، لذا بمرور زمان در اثر نفوذ آب و عوامل فیزیکی تخریب گردیده است و تنها قسمتهای کمی از سقف آن باقی مانده است که همانند، پل بنظر می‌رسد، (تصویر شماره ۶).

این مغار نیز پلان مستطیل شکل دارد، و بمنظور نگهداری دامهای بزرگ و یا اسب استفاده می‌شده است. به دلیل اینکه دارای یک آخور سراسری است، این آخور در جدار غربی محوطه قرار دارد، و جدار شرقی فاقد آخور است.

در بالای آخور حلقه‌های سوراخدار از جداره کوه به بیرون کنده شده است که به منظور بستن حیوان عملکرد



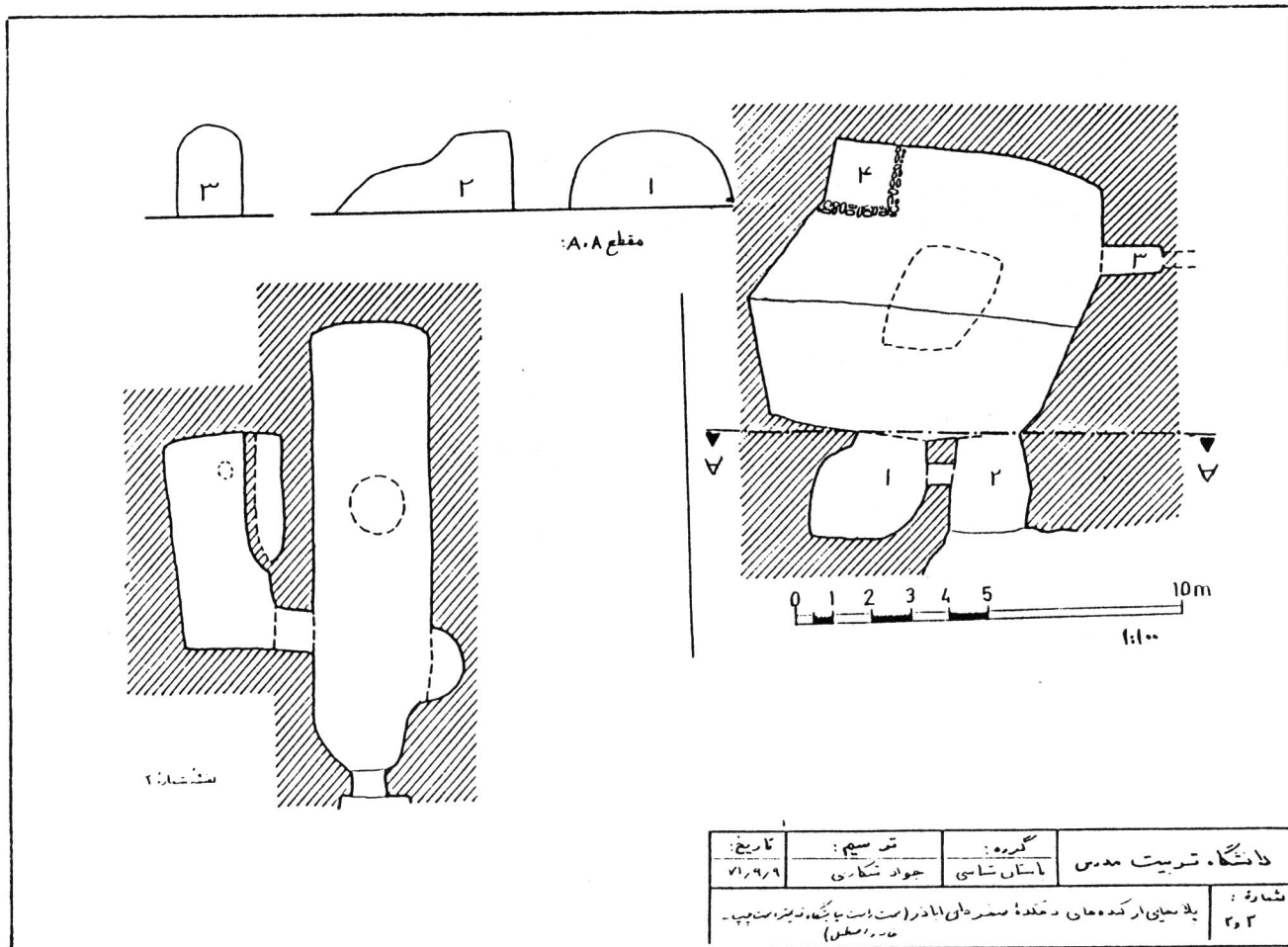
نقشه شماره ۱- دهکده صخره‌ای اباذر پلان و مقطعی از یک فضای صخره‌ای و احتمالاً آغل (کنده شماره ۲ از سمت شرقی دهکده)

قطرهایی کمتر از قطر فوقانی است و بیش از یکمتر عمق دارد و در نزدیکی سقف داخلی، قطار فرق می‌کند، (تصویر شماره ۷ و ۸). (نقشه شماره ۱)

۶- هر جا صحبت از نورگیر بشود منظور روزنه نورگیر است که علاوه بر تعیین روشنایی قسمتهای فرو رفته در تاریکی، کار تبادل هوا را نیز انجام می‌داد، اما مهمترین نقش آن تامین روشنایی داخلی در روز بود، بخصوص هنگامیکه در ورودی بسته بود لزوم روزنه نورگیر را آشکار می‌کرد و به همین جهت در متن تمامی روزنه‌های فوق را هم به خاطر اختصار و هم به خاطر نقش مهمترش "نورگیر می‌نامیم".

آنها روزگار خود رامی گذرانند.

کنده شماره ۴ که فضایی با پلان مستطیل شکل می‌باشد طول آن ۱۵/۲۰ متر است و حدود ۳/۵ متر عرض دارد. این مغار نیز در داخل صخره آهکی و به موازات کنده شماره ۳ واقع شده است و از طولترین مغارهایی است که در این مجموعه می‌توان مشاهده کرد، در انتهای خود یک طاقچه یا رف دارد که به عمق ۶۳ سانتیمتر دهانه ای بطول ۱/۵ متر با دیواره بیرونی به ارتفاع و به ضخامت ۲۵ سانتیمتر است، چون در ورودی نور کافی در هنگام روز بقسمت انتهایی نمی‌رساند، لذا یک نورگیر<sup>۶</sup> از بالای آن کنده شده است، که از بیرون مدور و از داخل بیضی شکل با



نقشه شماره ۲ و ۳- پلانهای از کنده‌های دهکده صخره‌ای ابادر (سمت راست نیاشگاه قدیمتر سمت چپ خانه و اصطبل)

وجود دارد، که شکل ترکیبی منحصر بفردی در میان این مجموعه دارد، و آن مغاره‌ای است که نقشه شماره ۲ چگونگی ساختار آنرا روشن می‌سازد. این کنده صخره‌ای از دو فضای ترکیبی تشکیل شده است ابتدا یک فضای مستطیل شکل بطول ۱۱ متر کنده شده است، در نزدیکی ورودی آن یک طاقچه‌ای قرار دارد که در اغلب پلانها دیده می‌شود، قرار گرفتن این طاقچه نسبتاً وسیع در نزدیکی ورودیها، این فکر را القاء می‌نماید که در این رفها ابزار و ادوات مربوط به روشنایی و قفل و بست در را قرار می‌داده‌اند، با توجه به اینکه در آن روزگار وسایل روشنایی بسیار ابتدائی بوده اهمیت این مسئله روشن تر می‌شود، فردی

غیر از چندین فرورفتگی کوچک که محل چراغ و شمع می‌باشد، اجزاء قابل توجه دیگری بچشم نمی‌خورد، در این مغاره آخوری وجود ندارد، و کف آنرا در دوران متأخر سنگفرش نموده‌اند، دیواره‌های غالب این مغاره‌ها را قشر ضخیمی سیاه رنگ پوشانده است. این مغاره به دلیل وجود نورگیر که علاوه بر تامین نور داخل کار تبادل هوا از جمله خروج دود و جریان هوا را در فضای داخلی انجام می‌داده است و نبود نشانه‌ای از آخور و غیره، در آن یک مکان مسکونی بنظر میرسد و انبار هم می‌توانسته مورد استفاده قرار گیرد، (نقشه شماره ۱). در فاصله‌ای اندک و پائین‌تر از این مغاره دیگری



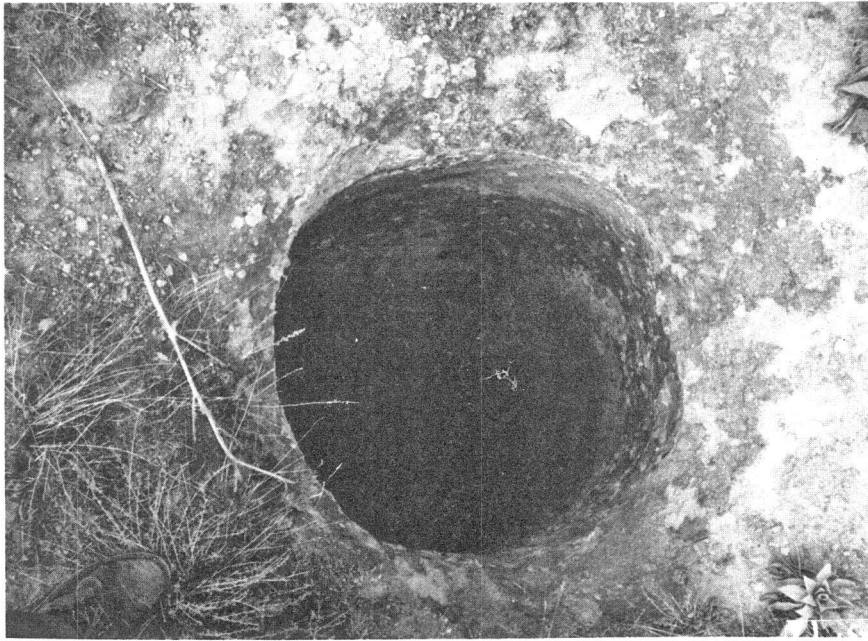
۷- انتهای نمای مغار شماره ۴ و طاقچه جدار انتهای مغار

است و به صورت آخور در آمده است، عرض دریچه ورودی واحد معماری صخره‌ای کوچک یک متر می‌باشد، طول بخش کوچک ۵/۲۵ متر و عرض آن حدود ۲/۵۵ متر است، به دلیل تخریب نورگیر واحد بزرگ، سیلاب رسوبات زیادی را در داخل هر دو بجا گذاشته است، در نتیجه از ارتفاع آنها کاسته شده است و در حال حاضر فرد موقع ورود به داخل آن دچار مشکل می‌شود.

با توجه به اینکه نشانه‌ای از وجود آخور در داخل واحد بزرگ دیده نمی‌شود و راه ورود به داخل واحد کوچک درست از داخل جدار شرقی واحد بزرگ ایجاد شده است، می‌توان گفت که این مکان نخست یک عملکرد مسکونی صرف، داشته است و بعدها بصورت مسکن مشترک انسان و دام تبدیل گردیده است و صاحب آن در مکانی در کنار دامهای خود زندگی می‌کرده است.

که از خارج، وارد این فضا می‌شد، وسیله مورد لزوم را دم در ورودی؛ در سمت راست خود می‌توانست پیدا کند، موقع روز، بخصوص هنگام بسته بودن در، نورضعیفی که از خلل و فرج در نفوذ می‌کرد منطقه مورد بحث را روشن می‌ساخت، (نقشه شماره ۲)، قرار دادن رف نسبتاً وسیع در سمت راست ورودی به عنوان یک استاندارد در چندین فضای مشابه بچشم می‌خورد، از داخل این مغار بوسیله یک دریچه با سقف جناغی وارد فضای کوچکتر می‌شویم که در داخل آن آخور کوچکی کنار دیواره شرقی آن کنده شده است، هر دو فضا بوسیله نورگیری که در سقف خود دارند، نور لازم را برای روشنایی داخلی دریافت می‌کنند، به نظر می‌رسد که این ترکیب بعدها دچار تغییر گشته است؟

زیرا آخوری که در داخل فضای کوچک قرار دارد، ابتدا به صورت سکو بوده است و بعدها داخل آن خالی شده



۸- نورگیر سقف مغار شماره ۴ تصویر از بیرون

حدود ۱/۵ متر عرض دارد و بعد از آن بدون کمک نور چراغ چشم قادر به دیدن جایی نیست، در ابتدا برای شخص تازه‌وارد این مغار واقعاً اسرار آمیز می‌نماید.

از دریاچه دوم وارد یک محوطه‌ای با پلان مستطیل شکل گردیده و بسوی انتهای آن پیش رفته که داخل آن نزدیک انتها تنوری کوچک کنده شده است، پس از آن یک سکو به عمق و عرض ۳ متر عرض وجود دارد.

سکوی مذکور حدود یک متر از کف، بالاتر است طول این مغاره با طول سکو حدود ۱۵ متر است، ارتفاع محوطه حدود ۲ متر است، از روی سکو تونل کوچکی در گوشه جنوبی سکو به طرف جنوب غربی ادامه می‌یابد، که مقدار زیادی از آن مسدود شده است.

در داخل این واحد یک آخور سراسری در جداره، شمالی آن وجود دارد، عرض آخور ۴۵ سانتیمتر است و

ارتفاع فعلی فضای کوچک ۱/۵۵ متر است، و قطر نورگیر آن ۱۳ سانتیمتر است که در مقایسه با نورگیر واحد بزرگ که ۱/۴۰ متر است، کوچک بنظر می‌آید اما نور کافی را جهت فضای داخل آن تأمین می‌کند.

دریاچه بیرونی اتاق بزرگ کاملاً مسدود شده است و محوطه بیرونی آن دیوارهای سنگ چین دارد، ورود به داخل این محوطه تنها از طریق نورگیر بزرگ آن هم بصورت خزیده امکان پذیر است و در آینده نزدیک مسدود خواهد شد.

یدی کُهل مغاره دیگری است در منطقه ابوذر که از چهار فضای وسیع تشکیل شده است. جهت بررسی آن ابتدا وارد یک فضایی با پلان مستطیل ناقص و نامنظم شده، که سقف آن تقریباً هلالی است، (نقشه شماره ۴) سپس دریاچه‌ای در برابر ظاهر می‌شود که داخل فضایی شده که

ضخامت دیواره آن ۲۰ سانتیمتر است، رفهای متعددی در فضای شماره ۱ دیده می‌شود، در داخل فضای شماره ۲ نیز یک رف دیده می‌شود.

در ابتدای فضای شماره ۴ یک رف دیگری با ابعاد قابل توجه وجود دارد، ۷ عمق این رف ۱/۴۰ متر و طول دهانه آن ۱/۹۰ متر ارتفاع ۱/۵ متر است و در دیوارهای مغاره پیش رفته است، از نکات جالب توجه این است که در محوطه شماره ۴ دو نوع آخور وجود دارد، یکی از آنها یک آخور سراسری است که در کنار دیواره جنوبی محوطه قرار دارد، و مانند آخورهای متداولی که در داخل دیگر آثار صخره‌ای مجموعه مشاهده می‌شود، عرض این محوطه بدون احتساب عرض آخور آن ۳ متر است و آخور با دیواره کناری ۸۰ سانتیمتر عرض دارد، آخور دیگری در دیواره سفالی کنده شده است، و همانند آخورهای گوسفند در دهکده صخره‌ای کندوان آذرشهر آذربایجان شرقی می‌باشد که امروزه نیز از آنها استفاده می‌کنند، طول این محوطه برابر محوطه سوم و به موازات آن می‌باشد، که دیواره‌ای به قطر کمتر از یک متر میان آنها حائل شده است، این محوطه‌ها هیچکدام دارای نورگیر نیستند، و تنها، از ورودی و یا به عبارتی دهلیز ورودی؟ نور می‌تابد، طاقچه‌ها و رفهای کوچک و متعددی نیز در بدنه دیواره‌ها مشاهده می‌گردد و مدخل بیرونی آن به عرض ۳ متر است، اما امروزه قسمت اعظم آن گرفته شده است، مقطع عرضی فضاهای ۳ و ۴ قوسی کم خیز دارند، محوطه سوم با موقعیت خاص خود حکایت از زندگی مشترک انسان و دام در مدت زمان طولانی دارد، این سکو در دورانی نیز می‌توانست بعنوان محل ذخیره علوفه برای دام مورد استفاده قرار گیرد، (نقشه شماره ۴).

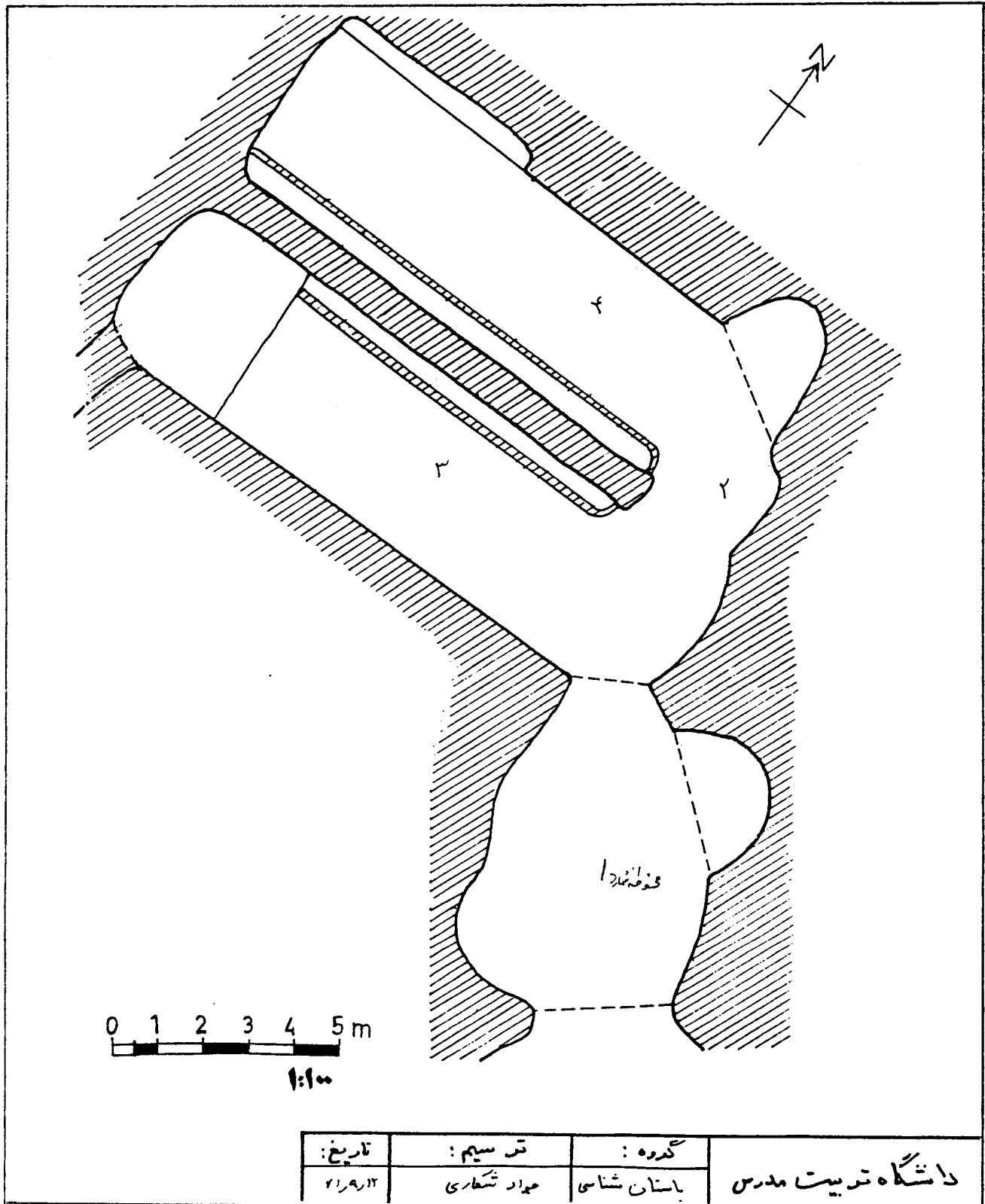
### ج - واحدهای مسکونی:

تعدادی از این واحدها صرفاً جهت سکونت انسان کنده شده‌اند، کنده‌های شماره ۸ و ۹ و ۱۱ از جمله آنها هستند، متأسفانه دریاچه ورودی آنها مسدود شده است، و ۹ قابل دسترس هستند، این واحدها دارای پلان مشابهی بوده و ابعاد کوچکتری نسبت به کنده‌های ذکر شده در فوق دارند، بعنوان مثال واحد شماره ۹ که همانند واحدهای دیگر دریاچه‌ای رو به جنوب دارد و سقف آن مسطح است، انحنای اندکی در محل اتصال جدارهای عمودی به سقف مشاهده می‌شود، دیواره شمالی و یا انتهایی دو قسمت می‌شود، دیواره شمالی و یا انتهایی دو قسمت می‌شود، و بصورت دو صفحه متقاطع تشکیل یک زاویه تندی را می‌دهند، عرض دریاچه ورودی ۹۰ سانتیمتر است، و بیرون ورودی را دیوار سنگی با پلان مربع شکل به قطر یک متر احاطه کرده است، این واحد فقط یک رف بزرگ همانند، رفهای متداول در دیگر واحدها دارد که ۱/۷۰ متر طول دهانه آن می‌باشد، غیر از آن رف هیچ اجزاء فرعی دیگری در داخل آن دیده نمی‌شود و فاقد نورگیر یا روزنه سقعی است.

اتاق صخره‌ای دیگری که کنده شماره ۱۱ رابه خود اختصاص داده است، در نقطه بالای کوه قرار دارد، قسمت بالای ورودی آن هلالی شکل است که از دور جلب توجه می‌کند، ورودی آن در دیواره‌ای آشکار و بلند کنده شده است در داخل آن چند عدد سوراخ حلقه‌ای شکل در بدنه

۷- مغاره "پدی کُهل" (هفت غار) از چهار فضای وسیع

تشکیل شده است، این مغار بدست انسان کنده شده است، البته تمام مغارهای ابوذر چنین حالتی دارند و نشانی از غار طبیعی دیده نمی‌شود، رجوع شود به نقشه شماره ۳.



نقشه شماره ۴- دهکده صخره‌ای ایازر موسوم به «یدی کهل»

دیوار دیده می‌شود، که در سطوحی با ارتفاع مختلف کنده شده و پراکندگی غیرمنظمی دارند تعداد ۶ عدد آن قابل رویت است، مقطع عرضی سقف کمانی شکل است و دارای ابعادی به طول ۵/۵ متر و به عرض ۳ متر می‌باشد، ورودی آن به ارتفاع ۱/۴۵ متر و عرض آن به طور متوسط ۹۰ سانتی‌متر می‌باشد که در قسمت بالا شکل هلالی دارد. آثار تیشه و کلنگ‌های مخصوص کندن صخره در دیوارهای آن دیده می‌شود، البته در تمامی نمونه‌های موجود این مسئله آشکار است، یک فرورفتگی در دیواره شرقی آن وجود دارد که به نظر می‌رسد جای قرار دادن وسیله روشنایی است.

شکاف باریکی در انتهای آن وجود دارد که به بیرون منتهی می‌شود.

از نکات قابل ذکر دیگر وجود جای پای پله مانند در دیواره بیرونی آن است که به کمک آن می‌توان بر روی این واحد رفت و آمد نمود، در سطوح پشت بام آن جای چند عدد، گودال مدور کم عمق دیده می‌شود.

این واحد با موقعیت ویژه در نزد اهالی اسمهای مشابه و متعددی دارد عده‌ای بدان مکتب‌خانه می‌گویند و نیز به ملاقاتی هم شهرت دارد و این حاکی از یک حقیقت ورخدادی است که در دوران اسلامی بر این اثر مرتب بوده است، لذا اسم خود را در نزد اهالی حفظ کرده است، این اتاق روشنایی و گرمای کافی را از ورودی خود دریافت می‌کند، و محل مناسبی جهت مکتب‌خانه بوده است و قطعاً هنگامی که این محل تا زمان قاجار به عنوان مکان سکونتی مورد استفاده قرار می‌گرفته، از آن به عنوان مکان تعلیم استفاده می‌شده است و حفظ این نام در نزد اهالی دهکده بی‌دلیل نیست، لفظ ملاقاتی به دفاتر ثبت ازدواج و طلاق نیز اطلاق می‌شود.

با دقت در ابعاد و اندازه‌ها و پلان، نکاتی به ذهن خطور می‌کند، اولاً: عرض درگاهها در بیشتر موارد ۹۰ سانتیمتر برگزیده شده است، مخصوصاً در اتاقهای سکونتی که روزنه نورگیر در قسمت سقف ندارند، ثانیاً: رفهای نزدیک ورودیها که در فواصل مشابه و با ابعاد مشابه ایجاد شده‌اند، ثالثاً: عرض ۳ متر برای بیشتر واحدهای که پلان مستطیل دارند، برگزیده شده است، و همه آنها می‌توانند پدید آمدن همزمانی با یک نوع فن متداول و مرسوم برای کندن این واحدها باشد.

#### د - فضاهای کنده شده با پلان مدور (معابد)

مطابق تحقیقات مهرشناسان<sup>۸</sup> نیایشگاههای مهری را گاهی در زیر زمین و یا در دل صخره به صورت فضای گنبدی شکل می‌ساختند، شواهد موجود، در خطه آذربایجان مؤید نظر فوق است، چرا که دو نمونه بارز کاملاً منطبق با گفته‌های مذکور در این ناحیه قبلاً شناخته شده‌اند، چون هم مدور و فضای گنبدی شکل دارند و هم اینکه در دل صخره کنده شده‌اند، یکی از آنها در دهکده ورجوی در نزدیکی مراغه و دیگری در حوالی آذرشهر و در دهکده‌ای به نام بادام‌بار یا قدمگاه وجود دارند، اینها هم اکنون نیز جنبه تقدیس خود را حفظ کرده‌اند و در طول

۸- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به هانری شارل پوشر، "میترا" ترجمه عیسی بهنام تمدن ایرانی، چاپ دوم، "مجموعه ایران شناسی" بنگاه نشر و ترجمه کتاب تهران ۱۳۴۶. ص ۱۵۲.  
همچنین رجوع شود به - فریدون جنیدی "مهر ایرانی" فروهر، نشریه سازمان فروهر، شماره ۵ سال ۱۳۶۲ شماره مسلسل ۲۸۱ صفحه ۴۷۹ به بعد و نیز دنباله همین مقاله در شماره ۶ همان سال.

دوران اسلامی مورد استفاده واقع شده‌اند و این مکانها معمولاً زاویه و محل تجمع افراد مذهبی مشهور و مورد احترام مردم بوده‌اند و به خاطر آن اصل معبد دچار تغییر و دستکاری شده است، تا منطبق با موازین اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. در این مورد آیه قرآن به خصیصه پرهیز از اسراف و بیهودگی و اجتناب از دوباره کاری غیر لازم و بیهوده را جهت پیروان آگاه خود گوشزد<sup>۹</sup> نموده است، مسجد قدمگاه یا بادامیار آذرشهر که دارای قدمت بیشتری است، در دوران اسلامی با تغییراتی در آن از جمله با افزودن محرابی بدان و اضافه کردن یک سردر جناغی تراشیده از سنگ هیئت و شکل اسلامی بدان داده‌اند، و بنای امامزاده معصوم در ورجوی نیز چنین حالتی دارد، اما این یکی در دوران اسلامی تغییرات بسیاری را به خود پذیرفته و از شکل و حالت اصلی کاملاً خارج شده است.

شکل دست نخورده‌تر و سالم‌تر آنها را می‌توانیم، با تنوع و ویژگی مشابه در دهکده صخره‌ای ابادر مشاهده کنیم، تعداد سه اتاق کنده شده در دل صخره با فضای گنبدی شکل را می‌توان در اینجا مشخص نمود که دو واحد آن به صورت منفرد هستند، کنده‌های شماره ۱۰ و ۱۳ در این رده قرار دارند.

(نقشه شماره ۵)، این واحدها روزنه‌های نورگیر بزرگتری نسبت به اماکن دیگر دارند و فضای گنبدی یا مخروطی، آنها را از دیگر آثار متمایز می‌سازد. کنده شماره ۱۰ نیمه کاره مانده است و ارتفاع فعلی آن حدود ۲/۵ متر است و قطر نورگیر ابتدا ۸۰ سانتیمتر است که بعد از فاصله ۱۸ سانتیمتر به نیم متر می‌رسد، شکل ناقص آن به روشنی بیان می‌کند که برای ایجاد آن از قسمت بالا کار کنده صخره را آغاز کرده‌اند و خرده سنگها را از طریق روزنه نورگیر خارج ساخته‌اند، اینجا به دلیل

نامعلومی به صورت ناتمام رها شده است.

علت آن شاید مناسب ندانستن جهت ادامه و یا وقوع حوادث طبیعی یا غیر طبیعی نابهنگام بوده است.

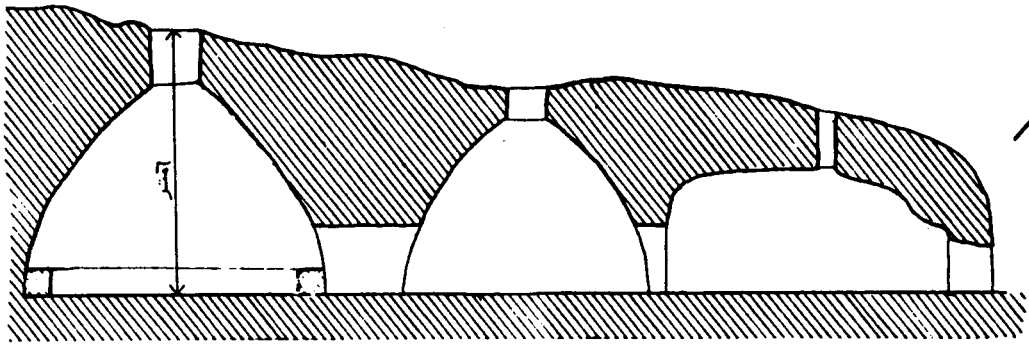
برای واحد ناتمام مذکور حتی ورودی هم ایجاد نکرده‌اند و شاید نقش انبار غیره، داشته است و، یک واحد منفرد دیگری که به مسجد صخره‌ای قدمگاه بی‌شباهت نیست، در انتهای دامنه کوه قرار دارد، این واحد که کنده شماره ۱۳ می‌باشد، پلان مدور با فضای گنبدی شکل مخروطی است و یک دریچه کوتاهی دارد که عرض ورودی آن ۸۰ متر است و نورگیر آن بیضی شکل است، در دیواره آن ۲ عدد رف کوچک وجود دارد که قسمت بالای آنها خاکستری رنگ هستند، و نشانه سوختن شمع و چراغ در داخل آنها دیده می‌شود، دیواره آن رنگ طبیعی دارد و دوده کمتری در سطح آن دیده می‌شود، ارتفاع فعلی این واحد از کف فعلی تا سطح روزنه نورگیر ۴ متر است و قطر آن ۱/۵ متر می‌باشد.

اگر راهروی آن امتداد بیشتر داشت، دارای تشابه بسیاری با مسجد قدمگاه بود، با یک مقایسه دقیق، این نتیجه به دست می‌آید که این دو با یک سبک و پلان کنده

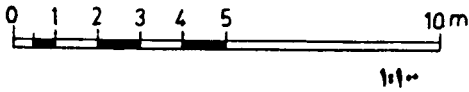
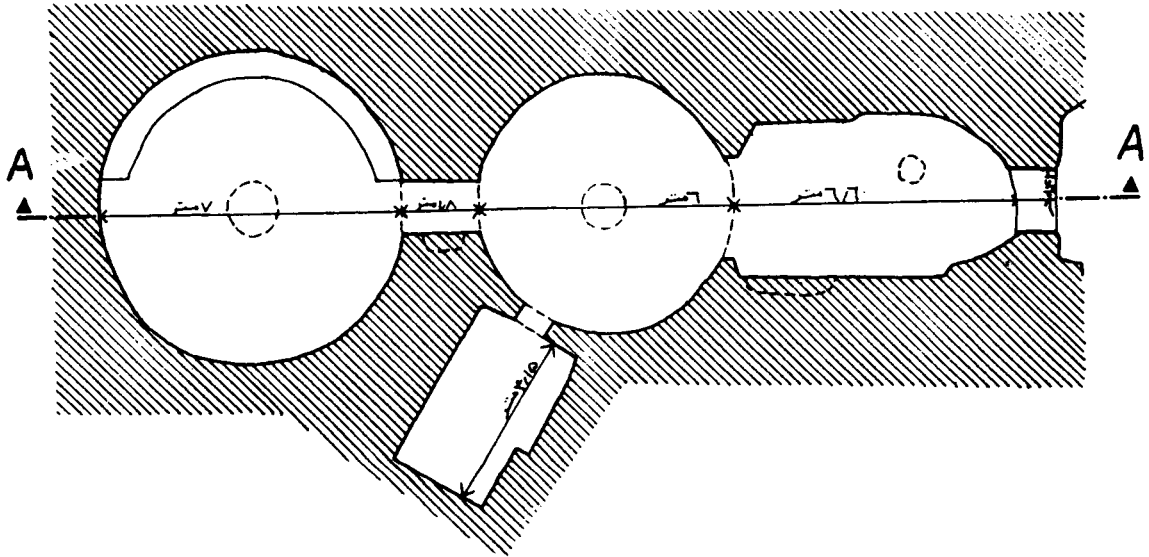
۹- "و آنان از سخن باطل و لغو و هر چیز بیهوده اعراض

می‌کنند" قرآن کریم سوره مؤمنون آیه ۳

در آیه ۲۹ سوره نور آمده است: "لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحُ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ" (باکی بر شما نیست که بخانه غیر مسکونی داخل شوید که در آن متاعی دارید بی اجازه در آید و (بدانید) که خدا بکارهای پنهان و آشکار شما آگاه است) لذا می‌بینیم که پیروان فرق اسلامی بویژه در ایش چنین مکانهایی غیر مسکونی که از گذشته متروک شده را براجتی مسکن خویش قرار داده‌اند.



مقطع A-A



تاریخ	ترسیم	گروه	دانشگاه تربیت مدرس
۷۱/۸/۱۱	جواد شکاری	باستان‌شناسی	
ابوذر نیروز: معبد مهرپرستی، پلان و مقطع (کنده شماره ۷)			شماره: ۵

نقشه ۵- ابوذر نیروز: معبد مهرپرستی، پلان و مقطع «کنده شماره ۷»

شده‌اند، و یک همزمانی با هم دارند، هر دو اثر در سنگ آهک نه چندان سخت و در منطقه کوهستانی و دور از سرو صدا و در مکان پاکی چون کوه کنده شده‌اند، و شاید بتوان گفت که بدو پیدایش آنها با آئین مهرپرستی ارتباط داشته است، و نمونه های بارز و مشخص اینگونه معماری صخره‌ای را میتوان در دیگر نواحی ایران و جهان سراغ گرفت، پلان مدور با فضایی گنبدی شکل را می‌توان به عنوان یک فضای متداول آئین مهرپرستی به شمار آورد، چرا که این مکان‌ها حتی در بعضی جاها نام خود را به صورت مهر آوا مهر آباد و مهر با حفظ کرده‌اند، و طبق نوشته آقای فریدون جنیدی دارای همان نمونه‌های موجود هستند.<sup>۱۰</sup>

باید اذعان کرد که میترائیسم در ایران در شیوه‌های خود بایستی تفاوتی با دیگر سرزمینها از جمله اروپا داشته باشد، زیرا که شیوه اجرای مراسم مذهبی و شکل پرستشگاهها بر اساس سنت و سلیقه مردمی صورت می‌گیرد و در هر سرزمینی تفاوتی از لحاظ سبک و هیئت مختلف با هم دارند، لذا این بیپه‌وده است که آئین مهرپرستی در اروپا دقیقاً همانند ایرانیها تصور شود، اما، مسلماً مشترکاتی داشته است.

یکی از بی‌نظیرترین مجموعه‌های کنده شده در صخره ابادر، معماری صخره‌ای شماره ۷ می‌باشد، این اثر مجموعه‌ای متشکل از چهار واحد است، مطالعه و بررسی آن بسیار ارزشمند می‌باشد، این مکان به عنوان یک معبد مهرپرستی با اهمیت می‌تواند مطرح باشد.

این اثر جالب تنها یک دریچه از سمت بیرون دارد و سه واحد آن در امتداد هم هستند و گسترش آنها شمالی جنوبی است و یک اتاق مستطیل شکل در جناح غربی یا شمال غربی اتاق مدور اول قرار دارد، (نقشه شماره ۵).

این اثر معماری صخره‌ای یک ورودی از سمت جنوب دارد که بعرض ۱/۴۲ متر است. این ورودی در حال مسدود شدن است، وارد شدن به محوطه داخل آن بسختی امکان پذیر است. چون ارتفاع فعلی ورودی حدود ۳۰ سانتیمتر است، پس از عبور از مدخل انباشته شده آن، وارد محوطه شماره یک شده و دهلیز در برابر ما نمودار می‌شود، این دهلیز سقف و دیواره نامنظم دارد که حاکی از تخریب آن در زمانهای بعدی است که شاید، به منظور گسترش فضای داخل آن صورت گرفته است. احتمال تخریب عمدی و طبیعی آن نیز بعید نمی‌باشد.

در داخل دهلیز چند طاقچه یا رف دیده می‌شود، که کامل نیستند، یکی از آنها در دیواره غربی قرار دارد که ارتفاع فعلی آن حدود ۵۵ سانتیمتر است و سقف در نزدیکی ورودی یک روزنه نورگیر دارد که قطر آن حدود ۳۷ سانتیمتر است، شکل سقف آن ناقص به نظر می‌آید؛ طول دهانه ۲/۱۰ سانتیمتر و عمق آن ۳۰ سانتیمتر است، سقف در نزدیکی ورودی یک روزنه نورگیر دارد که قطر آن حدود ۳۷ سانتیمتر است، که در حال حاضر گرفته شده است و تنها از قسمت داخل کاملاً آشکار است و از بیرون چندان قابل رویت نیست، داخل این محوطه از سنگ و خاک پر شده است، و این مسئله در اثر عوامل متعدد از جمله متروک شدن آن در طول زمانی ۲۵۰ ساله یک چنین وضعی را موجب گردیده است.

طول این دهلیز حدود ۷ متر است و عرض آن ۳/۵ متر است، از این دهلیز به وسیله شکافی به عرض ۲/۳۷ متر و به ارتفاع ۱/۵۰ متر که در واقع به منزله در ورودی و یا

۱۰- فریدون جنیدی. "مهر ایرانی" فروهر شماره ۵ و

معبّر است وارد اتاق مدور دوم می‌شود که فضای گنبدی شکل دارد (تصویر شماره ۷).

از مدخل دهلیز وارد اتاق مدوری می‌شویم که فضای داخلی آن گنبدی شکل است و یک روزنه نورگیر، به قطر ۹۰ سانتیمتر دارد، قطر این اتاق ۶ متر است البته اندکی تمایل به بیضی دارد و قطر شرقی غربی آن اندکی بیش از قطر عمودی دیگرش می‌باشد.

از داخل این اتاق گنبدی شکل مستقیماً بوسیله یک راهروی ۲ متری وارد فضای گنبدی شکل دیگری می‌شود که آخرین اتاق، در این راستا می‌باشد علاوه بر آن دیواره غربی اتاق مدور اول و یا دومین اتاق مجموعه یک دریچه‌ای دارد که راه ورود به اتاق شماره ۴ مجموعه است، و پلان مستطیل شکل دارد.

اولین فضای گنبدی شکل ۴ متر ارتفاع دارد، البته داخل آن نیز با مقداری خاک و سنگ پر شده است و در سطوح داخلی آن تعدادی طاقچه کوچک با دهانه‌هایی به طول ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر و به عمق ۵ تا ۱۲ سانتیمتر قابل رویت هستند، تعدادی از این طاقچه‌های کوچک بر روی هم و به طور غیر منظم در کنار هم کنده شده‌اند، تعدادی حلقه مدور شبیه حلقه‌هایی که در آخورها دیده می‌شدند ولی کوچکتر و ضعیف‌تر از دیواره کوه به بیرون کنده شده‌اند، لذا باید عملکرد متفاوتی هم داشته باشند، چون اصلاً توانائی نگه‌داری حیوانی مثل اسب یا گاو، گوساله را ندارد و ممکن است این حلقه‌ها جهت آویختن چیزی مثل سبد و غیره بکار می‌رفته است، زیرا در مکان‌های سکونتی و در جاهائی مثل معابد چنین موضوعی نیز به چشم می‌خورد، که گفتار فوق را تأیید می‌کند، البته تغییر عملکردی نیز دلیل نصب این حلقه می‌تواند به شمار رود از اتاق مدور اول وارد اتاق گنبدی شکل دیگری می‌شویم که

ابتهت خاصی دارد، برای ایجاد این فضای گنبدی دقیقتر کار شده است و قطر آن حدود یک متر بیش از اتاق مدور اولی است، پلان کاملاً مدوری دارد که قطر آن حدود ۷ متر است، دریچه‌ای که این دو اتاق مدور را بهم متصل می‌کند، نزدیک دو متر طول دارد، البته دیواره شرقی و غربی حدود ۲۵ سانتیمتر اختلاف طول دارند، منظور اینکه دیواره غربی اندکی طویلتر است.

این مدخل ۱/۵ متر ارتفاع دارد و سقف آن قوسی شکل است، در دیواره سمت غربی یک طاقچه به عمق ۳۶ سانتیمتر و به ارتفاع ۶۳ سانتیمتر و طول دهانه آن ۸۷ سانتیمتر کنده شده است، همه طاقچه‌ها نمای قوسی دارند و تنها لبه بیرونی کف یا دهانه به صورت خط راست است، عرض راهرو ۱۱۲ سانتیمتر است در بالای طاقچه مورد بحث یک فرورفتگی همانند طاقچه‌های خیلی کوچک وجود دارد که درست در مقابل آن در جدار شرقی نیز به همان اندازه و ارتفاع دیده می‌شود و معلوم می‌گردد، که جای قرار گرفتن چهارچوب در بوده است.

محوطه مدور داخلی دارای یک مصطبه است که فقط نیمه شرقی آن وجود دارد، عرض فعلی مصطبه ۶۰ سانتیمتر است، و ارتفاع آن حدود ۷۰ سانتی‌متر میباشد قطر نورگیر این اتاق ۱/۱۰ متر است، این نورگیر، روشنائی کافی را فراهم می‌کند، بطوریکه ساعاتی نور خورشید داخل آن می‌تابد، ارتفاع این اتاق حدود ۶ متر است.

اتاق مستطیل شکل دیگری که در غرب فضای مدور اول قرار دارد، بطول ۴/۱۵ متر است، بالای درگاه آن قوس دار یا بصورت چفت هلالی دارد، و عرض ۷۰ سانتیمتر

۱۱- در معماری سنتی ایران قوسهای هلالی را بیز یا قوس مازهدار می‌گویند.

است، عرض داخل اتاق متغیر است و در محل نزدیک درگاه ۲/۶۴ متر و نصف دیگر آن به عرض ۲/۳۰ متر است این اتاق مقطع عرضی هلالی دارد و کف آن به دلیل قرار گرفتن در نقطه محفوظ، هویدا می‌باشد ارتفاع آن در وسط محور طولی ۱/۶۵ متر است.

این مکان صخره‌ای در نزد اهالی به مغار «ایکی باجا کهل» یا غار دو باجه مشهور است، چون از بیرون دو نورگیر بزرگ آن بیشتر نمایان است، لذا این نام را بخود اختصاص داده است، چون ورودی بسیار تنگ شده است، و به مرور ایام خاک و سنگ و شن در جلوی آن انباشته شده است، تا شخص به داخل آن نرود هرگز از وضعیت واقعی آن مطلع نخواهد شد، به دلیل داشتن دو روزنه نورگیر مدور وسیع و یک نورگیر کوچک واحدهای مستقل بنظر می‌آیند.

بی‌شک این مجموعه یک معبد است و به همین منظور و با طرح هندسی از پیش طراحی شده در دل صخره کنده شده است، پیدایش آن به زمان قبل از اسلام برمی‌گردد و شاید بتوان گفت در دوران تاریخی به منظور یک محل نمایشگاهی بوجود آمده است، در دوران اسلامی بطور مداوم این مکان بمنظورهای مختلفی مانند مکان مذهبی و حتی سکونتی بکار رفته است، وضع کلی آن حکم می‌کند که متعلق به روزگار اشکانی و ساسانی است.

این مجموعه شباهت نزدیکی با معابد صخره‌ای ورجوی دارد و در مقیاسی ساده‌تر و خالصتر، با مجموعه امامزاده معصوم ورجوی کاملاً قابل مقایسه است، و از لحاظ محیطی نیز تشابه نزدیک با آن و نیز مسجد صخره‌ای قدمگاه دارد.<sup>۱۲</sup> چرا که هر کدام در مکان کوهستانی و خلوت و بدور از سروصدا و محیط شلوغ ایجاد شده‌اند و همگی شکل گنبدی و پلانی مدور دارند که گویی یک

هنرمند، اینها راکنده است و فضایی روحانی از دل صخره بیرون آورده است.

قابل ذکر است که امامزاده معصوم ورجوی (رواوی<sup>۱۳</sup>

۱۲- سه معبد اباذر، در اطراف نیر اردبیل، امامزاده معصوم ورجوی در اطراف مراغه، مسجد صخره‌ای قدمگاه، در پلان و فضای داخلی و موقعیت ظاهری و جزئیات دیگر اشتراک انکارناپذیری دارند و در یک مقطع مشترک تاریخی ایجاد شده‌اند معماری صخره‌ای تا دوران هخامنشی و قبل از آن با فرم و فضای مسطح و راست گوشه و عاری بودن از هر گونه خطوط منحنی بخصوص در گاهها و فضای داخلی از جمله سقفها و پوششها بطور کل و همچنین داشتن نمونه‌های اشکانی در جزیره خارک و نیز آثاری صخره‌ای ساسانی از جمله در طاق بستان و دیگر جاها محقق می‌گردانند که نمونه‌های صخره‌ای با مشخصات فضاها و عناصر خمیده و بیز متعلق به مقاطع تاریخی اشکانی به بعد هستند. این مسئله در آثار صخره‌ای بدست آمده بطور کامل مصداق دارد. البته در بعضی جاهای ایرانی ما قوسها و پوششهای خمیده داریم از جمله در منطقه خوزستان که در بناهای خشتی از دوره ایلامی با مشخصه محلی خود دیده می‌شود اما معماری غالب در بسیاری از مناطق پوشش مسطح دارند و این امر در بناهای تا قبل از دوران اشکانی مشهود است، اما پوششهای خمیده از دوران اشکانی معمولتر می‌گردد این امری است که اکثر محققین به آن اذعان دارند و کاوشها و حفاریات باستانشناسی و نمونه‌های باقیمانده بر این امر صحنه می‌گذارند سقف درها و فضای داخلی اتاقهای کنده شده در صخره که تا کنون شناخته شده‌اند تا زمان هخامنشی پوشش تخت و مسطح دارند.

۱۳- امامزاده معصوم ورجوی در اطراف مراغه در دهکده‌ای به همین نام قرار دارد که یک مجموعه پیچیده‌ای است و به معبد اباذر تشابه بیشتری دارد.

( در دوره اسلامی یعنی زمان ایلخانی کاملاً دگرگون شده و گسترش داده شده است.

اما معبر اباذر به صورت سالم‌تر و دست نخورده‌تر باقی مانده است، به همین خاطر یک مکان ارزشمندی برای محققین و پژوهشگرانی است که در پی کشف رموز آئین مهرپرستی هستند: و آنان را در این راستا می‌تواند یاری کند، به نظر می‌رسد اهالی هنگام ترک محل دهانه آنرا مسدود کرده‌اند که بعدها مصالح مسدود کننده فرو ریخته است، اتاقهای مدور این مکان مخصوص اعمال نیایشی بود و اتاق مدور دوم به نظر می‌رسد که جنبه تقدیس بیشتری داشته است چرا که عظمت بزرگتری نیز دارد، و وجود در و راهروهای متعدد حاکی از امر فوق است، اتاق مستطیل شکل محوطه غربی مجموعه باید اقامتگاه متولی عالیمقام آن معبد بوده باشد، طاقچه و فرم اتاق چنین حکم می‌کند و نیز در کوتاه آن که جهت عبور و تردد انسان است که به حالت خمیده می‌تواند، وارد آن بشود و این اتاق کاملاً تاریک است و فقط نور اندکی در روز از دریچه کوچک دریافت می‌کند، عملکرد دیگر آن به عنوان انجام قسمت دیگری از مراسم عبادی ویژه و مخصوص آن مکان منتفی نمی‌باشد، در داخل آن در کنار سمت شرقی دریچه ورودی آن سکوی کوتاهی جلب نظر می‌کند.

مراسم مهرپرستی دارای سلسله مراتب بوده و مراحل ۷ گانه‌ای داشته است که به صورت جسته گریخته بدان اشاره گردیده است.<sup>۱۴</sup>

نگاه اول در داخل هر کدام از اتاقهای دارای فضای گنبدی این مسئله را القاء می‌کند که واقعاً در طرح و ایجاد فضای داخل آن دو، از گنبد آسمان الهام گرفته شده است و روزنه‌های نورگیر این آثار صخره‌ای به صورت متفاوت از روزنه‌های اتاقهای مسکونی و آغلها ایجاد شده‌اند،

بطوریکه نور کافی از جمله نورخورشید به درون آن تابش نماید، لذا قطری بیش از یک متر دارند و به شکل دایره هستند، اما اتاقهای مسکونی نوگیر استوانه‌ای که قطر آن در بالا بیشتر و دایره‌ای و در سمت پائین کوچک و بیضی شکل است.

وضع فوق کاملاً دلالت بر کاربرد کننده شماره ۷ بعنوان یک مکان با اهمیت و معبد می‌نماید.

از دلایل تغییر فرم معماری از مسطح به خمیده را می‌توان پیشرفت معماری و به خصوص پیشرفت ایرانیان در ایجاد پوشش اتاقها با استفاده از مصالح متداول و معمولتر بدون احتیاج به چوب و بخاطر دوام بیشتر آن می‌باشد که از دوره پارت این تغییر به صورت چشمگیر به چشم می‌خورد، همچنین با هجوم اسکندر و انقراض سلسله هخامنشی به بعد، و وجود بناهای قوسی داراشکانی در نقاط مختلف و بناهای ساسانی که دنباله هنر قبلی است، موبد فوق است از جمله کاخ آشور درالحضر یا «هاترا» اشکانی و نیز بنای ساسانی طاق کسری در تیسفون را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد.<sup>۱۵</sup>

۱۴- تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام «هیترا» ص ۱۴۷-۱۶۱ و نیز برای مطالعه بیشتر رجوع شود به - مجید فلاح زاده، مرگ و رستاخیز (شهادت) در فرهنگ میترائی، مسیحی و (اسلامی)، چیستا، سال اول شماره هشتم، فروردین ۱۳۶۱.

۱۵- ر. ک. به - رومن گیرشمن، هنر ایران در دوران پارت ساسانی ترجمه بهرام فره‌وشی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۰ ص ۲ و برای مطالعه بیشتر رجوع شود به - آندره گدار، هنر ایران ترجمه بهروز حبیبی -

## هـ - مبحثی پیرامون تاریخچه اجتماعی فرهنگی و هنری دهکده اباذر

این دهکده صخره‌ای با موقعیت خاص خود بیانگر حوادث و سرگذشت قابل تعمیق می‌باشد، در نگاه اول آثار صخره‌ای آن به چشم دیده نمی‌شود، اما پس از جستجو، ابعاد آن بیشتر روشن می‌شود.

برطبق شواهد موجود و اظهارات افراد دهکده فعلی اباذر، مجموعه صخره‌ای در فاصله زمانی دویست تا سیصد سال پیش متروک شده است و پس از آن مردم ساکن دهکده صخره‌ای، آنجا را ترک گفته و احداث دهکده جدید را در زمین هموار دره شمالی شروع کرده‌اند (تصویر شماره ۲) افراد ساکن آن برای همیشه مغاره نشینی را ترک گفته‌اند، بنا به اظهار افراد مسن، ۱۶ این دهکده که در مواردی بخصوص فصلهای مساعد از بعضی مغارات نگهداری دام بخصوص گوسفند استفاده می‌کردند، این سرنوشتی است در مقاطع تاریخی اکثر دهکده‌های صخره‌ای بدان دچار شدند گرچه هنوز هم دهکده‌های صخره‌ای چندی وجود دارد که تا امروز متروک نشده و در آنها فعالیت زیستی انسانی وجود دارد، مانند کندوان در آذربایجان شرقی و میمند کرمان، اما اینها نیز بسوی روند متروک شدن گام برداشته‌اند مردم به تدریج این خانه‌های مغازه‌ای را ترک گفته و به احداث بنا در فضای آزاد پرداخته‌اند.

در محیط دهکده صخره‌ای اباذر، ظروف سفالی متداولی در یکی دو قرن پیش بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند و آثار سفالی غالب ادوار اسلامی حتی سفالهای قرون سوم و چهارم و پنجم هجری به صورت فراوان به چشم می‌خورد، تکه سفالهایی با لعاب پاشیده و لعابدار با نقش کنده، بشقابهای پهن با دیواره کوتاه متعلق به قرون

فوق در آنجا پراکنده است و در مواردی از ظروف سفالی دوران ساسانی و اشکانی نیز تکه‌هایی را می‌توان سراغ گرفت، قطعاتی از سفالهای متداول در دوران سلجوقی با رنگ نخودی و نقوش تزئینی برجسته در این مکان قابل تشخیص است.

یکی از پیرمردان ساکن دهکده فعلی چنین نقل کرد:

«در زمان قدیم شخصی به نام اباذر، در مکان موسوم به اجاق - که بنایی با پلان مستطیل شکل است - مدفون بوده است و اینجا زیارتگاه بود، حتی حدود ۲۵ سال قبل دسته‌های عزاداری از روستاهای مجاور، به این مکان می‌آمدند و مراسم عزاداری را در روزهای عاشورا و تاسوعا و نیز روزهایی وفات ائمه اطهار در این محل اجرا می‌کردند، اما بعد از آن سال که این مکان با کلنگ تجاوزگران، مواریث فرهنگی مذهبی مردم و به امید یافتن گنج نقض حرمت شده و بدین ترتیب این مکان روبه ویرانی نهاد و تقدس خود را از دست داد، اینجا بنایی بود که سقف داشت و دارای در و پلکان و حرم بود، و یک حصاری داشت که اطراف تپه کشیده شده بود، آثار آن امروزه نیز مشهود است، و زمین آن برای تدفین فروخته شده و صرف

۱۶- یکی از پیرمردان ساکن دهکده فعلی اباذر مش باقر نامی است باسن حدود ۶۵ سال بیشتر اطلاعات خواسته شده را نقل کرد افراد دیگر نیز کم و بیش صحبت‌های وی را تکرار می‌کردند در حال حاضر این دهکده نیز در عرض ۲۵ سال اخیر مهاجرت اهالی شدت یافته و تنها ۵ خانواده در دهکده فعلی سکنی دارند و دهکده فعلی نیز می‌رود به سرنوشت سلف صخره‌ای خود دچار شود و بیش از دوسوم آن در حال حاضر ویران شده است.

شواهد موجود دقیقاً اظهارات فوق را تأیید می‌کنند، لکن جای تأسف است رونق خروج اشیاء عتیقه با تخریب گسترده اشیاء و عناصر فرهنگی ما، همگام بود، مکانی که در نظر اهالی بسیار مورد احترام بود و جزء ویژگی اعتقادی و فرهنگی آنان شده بود، بیکباره اینچنین مورد بی‌حرمتی واقع شده و می‌رود که از صفحه وجود محو شود، چه بسیار میراث گرانبهای ما از بین رفتند، حرمت این مکانها در پیش مردم موجب حفظ آنها بود و هر اندازه حرمتها شکسته شده و معتقدات از بین رفته‌اند، به همان اندازه و حتی بیشتر از آن میراث فرهنگی صدمه دیده است به همین خاطر حفظ و نگهداری آنها همت و کوشش بسیاری می‌طلبد، اگر ظواهر فرهنگی نابود شود، جلوه‌های معنوی آن نیز مصون نخواهد بود، مساحت پیرامون مزار پر از آرامگاههایی با سنگ قبرهای حجاری شده و بی‌نظیر است، برای تراشیدن و پدید آوردن آنها دقت و تلاشهای حجاران هنرمند از ابعاد هنری و فرهنگی، قابل تحسین و تعمیق بسیار است، این حجاریها پیامهایی از دورانهای مختلف در ابعاد مذکور دارند، (تصاویر شماره ۵ و ۱۰).

در تصویر شماره ۳ و مجموعه‌ای از سنگهای قبور حجاری شده را نشان می‌دهند، همه این قبور مربوط به دوران اسلامی است، تصویر ۳ سمت شرقی تپه را نشان می‌دهد، اکثر این سنگ قبرها جابجا شده‌اند و تعدادی از آنها را شکسته‌اند و بسیاری از قبور نیز مورد دستبرد قرار گرفته‌اند، «مشهدی باقر» یکی از سکنه دهکده که حدود ۷۰ سال سن دارد می‌گفت «محدوده پیرامون اجاق اباذر خرید و فروش می‌شد، تا در آنجا اموات را دفن کنند و قبرستان شرقی یک آرامگاه عمومی بود» در جناح شرقی اجاق (مزار) یک قبرستان وسیع وجود دارد که قبور،

سنگ قبرهای ساده و حجاری شده دارد، وی در مورد ترک دهکده صخره‌ای و نقل مکان به دهکده فعلی اظهار داشت «این دهکده فعلی ابتدا وجود نداشت و سکنه روستا در مغارات (دهکده صخره‌ای)، زندگی می‌کردند، بعداً به مکان دهکده فعلی آمده و اینجا را انتخاب کرده و دهکده جدید را احداث کردند وی اظهار داشت که پدر بزرگ من می‌گفت، پدرم تعریف می‌کرد که اهالی دهکده متفقاً تصمیم گرفتیم این مکان را ترک کنیم و گفتند که بسوی «یورت»<sup>۱۸</sup> برویم و در آنجا به احداث دهکده پرداخته و زندگی بکنیم، اما اکثریت به دلیل اینکه یورت یک مکان هموار و دشت بود و خطر غارت و چپاولگری در آنجا وجود داشت، زمین صاف کنار دره شمال غربی را انتخاب کردند که اینکار حدود دویست سال پیش به دلیل سختی مکان قبلی و افزایش جمعیت و برقراری امنیت نسبی صورت گرفت و دهکده فعلی نام خود را از اجاق و محل مغارات گرفته است وی می‌گفت، یک روحانی در دهکده ما بود به اسم ملامجید و او می‌گفت من نام اباذر را در روی سنگ مزار اجاق خواندم (این سنگ قبور در حال حاضر از بین رفته است) عده‌ای هم این مکان را به ابوذر غفاری نسبت می‌دهند، از میان شواهد و اقوال میرهن است این فرد که یک مقام برجسته‌ای داشته است و در میان اهالی از احترام خاصی برخوردار بوده و یک شخصیت مذهبی و یا به احتمال قوی یکی از عرفا و دراویشی بوده است که جهت تزکیه و

۱۷- همو

۱۸- منظور وی مناطقی هموار و مشرف به شهر میانه بود

و یورت در آذربایجان شرقی به معانی سرزمین، بیلاق و اتراق است.

عبادت این مکان را برگزیده بود، و پس از آن مردم نیز در جوار وی اموات خویش را دفن کرده‌اند.

سنگ قبور کتیبه‌دار نیستند، اما عناصر و اشکال سمبلیک و هندسی و اجزاء معماری اسلامی را بر روی آنها حجاری کرده‌اند، این امکان وجود دارد که بعضی از کتیبه‌ها هم در مقابل فرسایش از بین رفته‌اند، زیرا جنس بعضی از سنگها آهکی است.

بر روی این سنگ قبرها نقوش مختلفی نقر شده است (طرح شماره ۶)، شمشیر و تیر کمان، بیشتر به چشم می‌خورد، که دال بر تعلق قبر به فردی جنگجو می‌باشد در قبور دوران اسلامی از قرون ۶ به بعد این علائم در روی سنگ قبرها مشاهده می‌شود، قبرستان سجاس ۱۹ در حوالی زنجان و قبرستان بادامیار یا قدمگاه در حوالی آذرشهر نمونه‌های بارز هستند، و از نزدیک قابل رویت می‌باشند. (تصویر ۵).

در قبرستان اسلامی اباذر نقوش متعددی غیر از ادوات جنگی دیده می‌شود در روی یکی از قبرها، علایمی مانند نقوش هندسی اسلامی و قوسهای اسلامی و علایم سمبلیک هندسی مثل ستاره دنباله‌دار<sup>۲۰</sup> و غیره مشاهده می‌شود، بر روی بعضی از سنگها اشکالی مثل آینه و شانه دیده می‌شود که قبور زنان می‌باشد.

و - مقایسات نکات مبهم را روشن می‌کند:

در شهر نیر اردبیل یک پل باستانی وجود دارد، در پایه‌های پل تا ارتفاع ۱/۵ متری از سنگهای مستطیل شکل تراش خورده استفاده شده است، اکثر این سنگها علایمی بر روی خود دارند که تعدادی از آنها همانند سنگ قبرهای ابوذر بود و تعدادی از آنها چنان مشابه بودند که گویا یک حجار آنها را تراشیده بود. سنگهای بکار رفته در پایه پل با تعدادی از سنگ قبرهای آرامگاه دوره اسلامی ده اباذر تقارن زمانی

دارند، در حجاری آنها از یک شیوه پیروی شده، است (تصاویر شماره ۹ و ۱۰) دیواره پایه غربی پل در محل تقاطع با موج شکن ۲۱ پل یک کتیبه به چشم می‌خورد، قبلاً تصور می‌رفت که کتیبه مربوط به تاریخ احداث پل است.

از مقایسه و بررسی علائم و نقوش موجود بر روی سنگهای پایه پل و سنگ قبرهای دهکده ابوذر، میتوان به این نتیجه رسید که اکثر سنگهای بکار رفته در پایه پل، سنگهای حجاری شده قبرستانهای متروکه و قدیمی هستند، (تصویر شماره ۱۰).

کتیبه پایه پل پس از مطالعه دقیق معلوم شد که مربوط به تاریخ احداث پل نیست بلکه سطرهای یادبود است و مربوط به صاحب قبری ۲۲ است که گرچه متن کتیبه

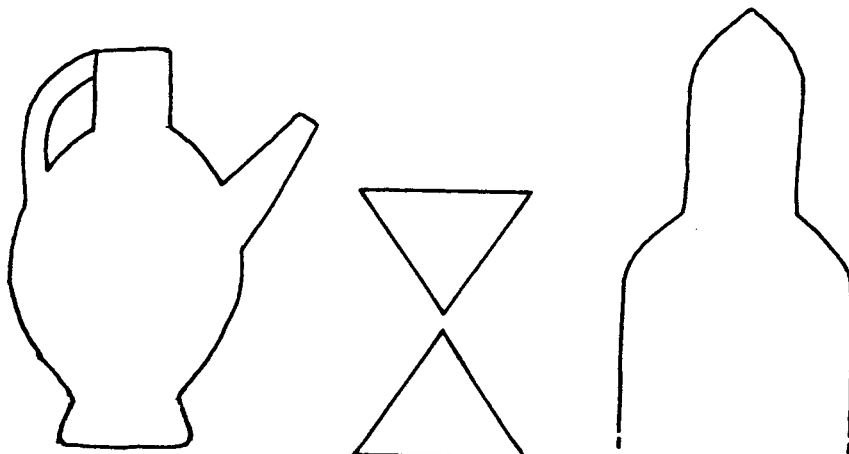
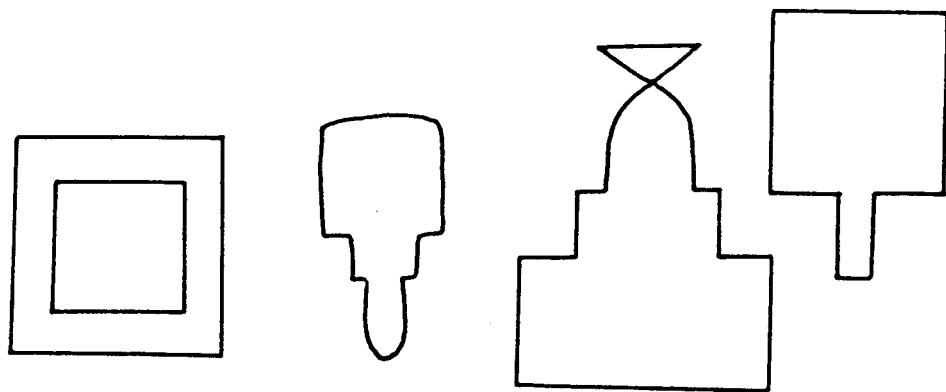
---

۱۹- دهکده سجاس نزدیک سلطانیه در استان زنجان قرار دارد و در دوران ایلخانی مکان پر رونق و آبادی بود.

۲۰- این نقش که به صورت ستاره دنباله‌دار است یک نقش سمبلیک مذهبی است که در اکثر مزارهای آذربایجان می‌توان مشاهده کرد در اباذر و نیز در سنگ قبری نصب شده در پایه پل شهرستان نیز که کتیبه دار نیز می‌باشد قابل تشخیص است، همچنین در سنگهای قبور پیرامون مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی و شیخ حیدر درمشکین شهر وجود دارند و به نظر می‌رسد یک علامت متداول در قرون ۶ و ۷ هجری بوده است.

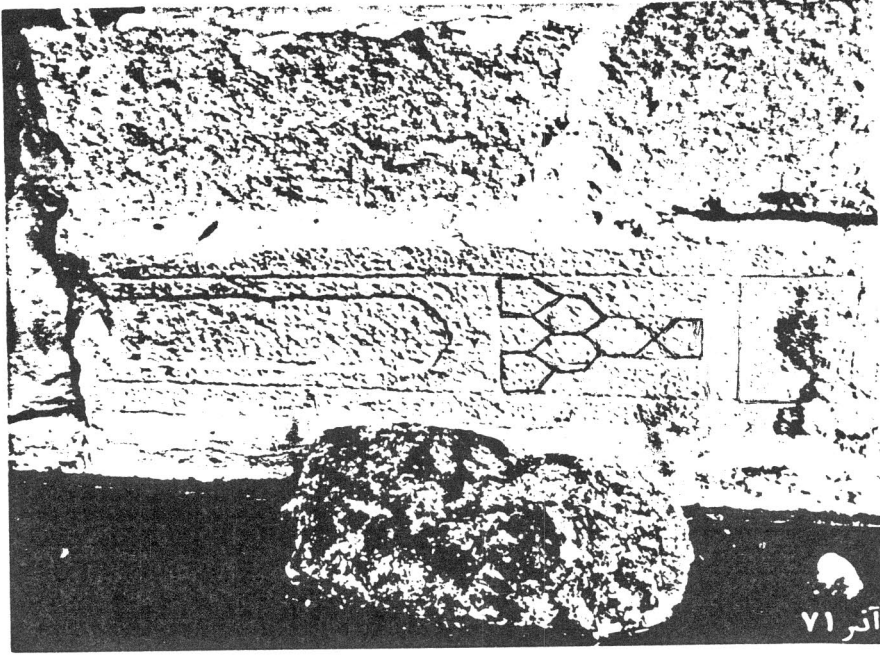
۲۱- موج شکن، قسمتی از پایه پل را می‌گویند که با جریان آب برخورد مستقیم دارد و فشار وارده از سوی جریان را تحمل کرده و خنثی می‌نماید و در پل نیز چنانکه در تصویر شماره ۳۰ دیده می‌شود با دو جداره متصل بهم که در محل برخورد زاویه تندی را تشکیل می‌دهد لذا از نظر دینامیکی ضربات و فشارهای موج را براحتی پذیرا شده و خنثی می‌نماید.

۲۲- هنگام قرائت متن آن در سطر نخست این کلمه ←

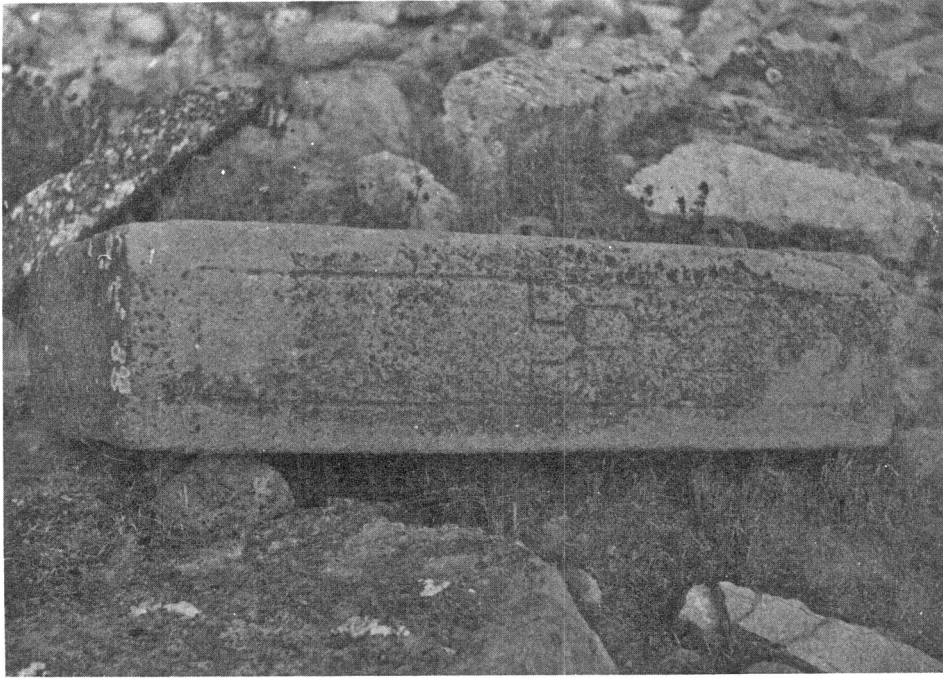


تاریخ:	توسیم:	گروه:	دانشگاه تربیت مدرس
۱۳۹۶، ۱۲	جلد شکری	باستان‌شناسی	

طرح شماره ۶- نقوش روی سنگ قبرهای دهکده صخره‌ای ابازر



۹- سنگ قبر حجاری شده در قرون ۶ و ۷ در پایه پل نیر



۱۰- سنگ قبری از قبرستان ابادر نقوش مفرنس، شباهت زیادی، با تصویر ۹ دارد.

مشخصات و تاریخ فوت صاحب قبر را در برداشت، اما بنحوی در روش ساختن تاریخ احداث پل ما را یاری می‌کند، خوشبختانه تاریخ ۸۱۲ هجری که تاریخ درگذشت آن شخص بوده قابل قرائت بود، بنابراین باید یک فاصله زمانی حداقل یک قرن را برای متروک شدن یا پا به فراموشی سپرده شدن یک قبرستان قائل شویم تا اینکه دیگران امکان تخریب آن قبرستان و استفاده از سنگ قبرها در پایه پل را بدست آورده باشند، و می‌توان نتیجه گرفت که در زمان صفویه این پل احداث شده است. (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

پل مذکور در محل معروف به پل قرمز است و در بنای آن از آجرهای مربع شکل قرمز رنگ استفاده شده است و شیوه ساختمانی آن همانند اکثریت پلهای زمان صفوی است.

معلوم می‌گردد که تخریب قبرستانهای کهن و استعمال سنگ قبرهای آن در پایه‌های پلها بعنوان یک مصالح آماده و ایده آل یک رسم متداول دوره صفویه و قبل از آن است چون در اغلب پلهای این زمان چنین حالتی قابل تشخیص است مانند: پل دختر میانه و پلهای موجود در حوالی اردبیل و دیگر مناطق آذربایجان و دیگر نقاط ایران که قابل مطالعه و شناسائی بیشتر هستند.

منابع و متون تاریخی نیز اشاره به این مسئله دارد، چنانکه در روضات الجنان حافظ حسینی کربلایی این مطلب دیده می‌شود و صراحتاً بر تخریب قبور قدیمی بمنظور کاربرد سنگهای آن در پایه پل تأکید شده است دیده می‌شود و شاید به دلیل اینکه پل مورد استفاده عموم قرار می‌گرفت، اینکار را امر گناهی نمی‌دانستند، و یا شاید حکم پادشاهان و فرمانروایان سبب اینکار می‌شده است، مردم قادر به جلوگیری از آن نبوده‌اند، در کتاب حافظ حسینی کربلایی چنین آمده است:

خسرو شاه در ناحیه «یده‌هر» از آبادیهای قدیم آذربایجان است، قبرستان کهنه و متروک این ده اکنون در کنار راهی است که در این اواخر از تبریز بسوی مراغه و بناب گشاده شد، آنجا مدفن جماعتی از اشخاص نامدار بوده است و قبری که بنام ابوسیل سلارین عبدالعزیز دیلمی شهرت دارد در همانجا واقع است.

بعضی از آثار قبور اشخاص نامور که تا این اواخر در آنجا باقی بود، هنگام احداث راه مذکور بوسیله راه ضایع و در قسمتی از بناها و پلها که در آن وقت در امتداد راه ساخته شد نیز بکار رفت.<sup>۲۳</sup>

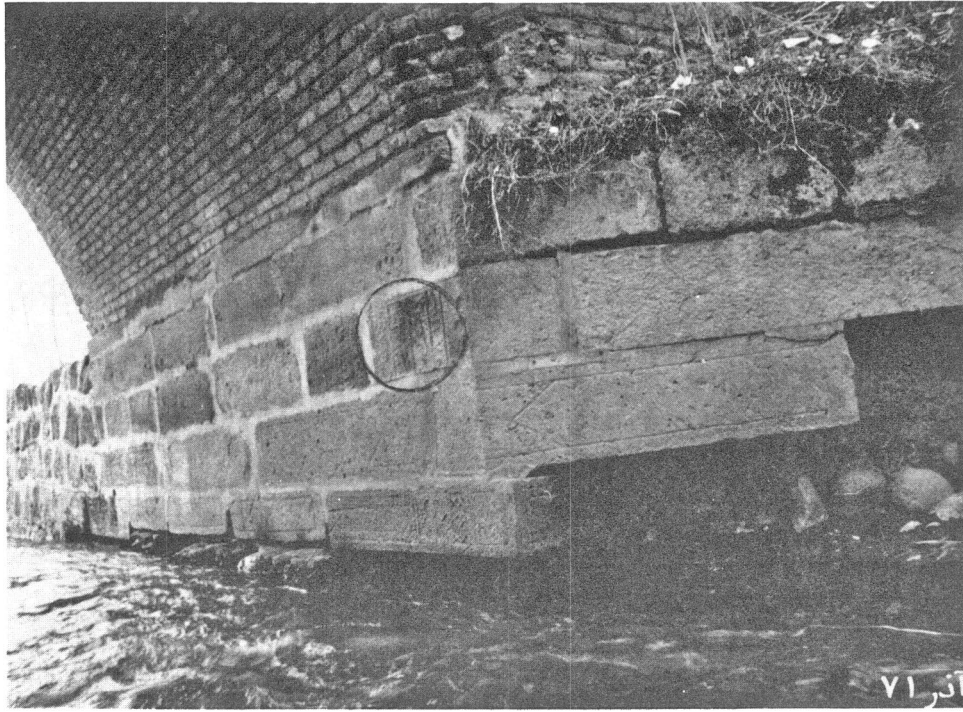
در بیشتر پلهایی که از زمان صفویه باقی مانده است این امر را می‌توان مشاهده کرد.

◀ مشهود بود وفات المرحوم - سطر ۲ - باباخان سطر ۳ - یوسف -

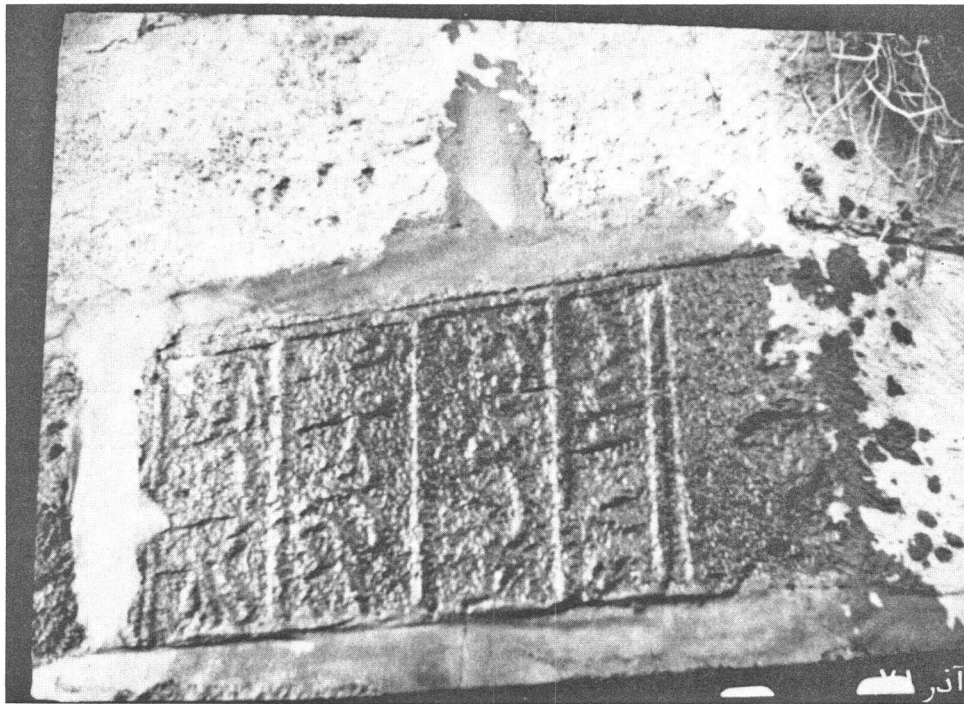
سطر ۴ سنه ۸۱۲ و قسمتی از آن هنگام نصب بر دیواره پایه پل توسط حجاران تیشه کاری شده و از بین برده شده است و یقیناً کتیبه‌های مذکور در متون تدوین یافته در قرون اخیر که خبر از وجود آنها در پایه پلها داده‌اند مثل این کتیبه هستند، تصویر شماره ۳۰

۲۳ - حافظ حسین کربلایی، روضات الجنان جنات

الجنان ..... ص ۵۴۲



۱۱- پایه پل نیر، پایه و موج‌شکن پل که تماماً با سنگها حجاری شده مقابرساخته شده است به موقعیت کتیبه دقت شود.



۱۲- سنگ قبر کتیبه‌دار و پایه پل نیر- زمان صفوی